

## اتحاد ایمان داران

### افسسیان فصل 4 ایه های 1-6

در نوزدهم اکتبر سال 1989 در کلیسای نیکولای شهر لایپزیگ ، کسی هنوز نمی دانست که در زمان دعای همگانی صلح چه اتفاقی خواهد افتاد. ایا تمام مردم توسط نظامیان روسی به خاک و خون کشیده می شوند؟ ولی با همه این وجود نزدیک به 70.000 نفر با شمع هایی به دست ، در جلوی زره پوشان روسی ایستادند و خواهان صلح شدند. حدود 200.000 نفر از مردم شهر لایپزیگ در طول یک هفته در مرکز شهر دور هم جمع می شدند و به صورت دست جمعی تا قسمتی از مرکز شهر به نام گوردل قین راهپیمایی می کردند. بعضی از افراد می توانند این روزها را در 25 سال پیش خوب بخاطر بیاورند. آقای هندریک تسوینا نوازنده گواندهاوس ، در این باره می گوید:

25 سال پیش پدرم با 70.000 نفر از مردم شهر لایپزیگ علیه وضعیت سیاسی دولت وقت (د - د - ار) اعتراض نمودند. حال از آن زمان به بعد ، با توجه به اینکه من از یک خانواده فرهیخته ای هستم ، توانستم به دانشگاه موسیقی شهرهای هانبورگ و سویس بروم و همچنین اکنون بتوانم یک کنسرتی برای جشن سالگرد آن روز که مسیر راهپیمایی اش 50 متر از گواندهاوس فاصله دارد را با همکارانم از کشورهای آلمان ، سویس ، فرانسه ، انگلیس ، چین و... اجرا کنم.

چقدر زیبا است وقتی که تاریخ در مسیر درستی رقم بخورد و چقدر مهم است که آن به دفعات به همانگونه عملی شود.

آقای هلموت کُهل در این باره می نویسد: ادم این را نباید تصور بکند که در آن روز روح القدس به ناگهان در کلیسای نیکولای آمده است بلکه این دولت کمونیست بود که به سوی سرنگونی می رفت. آقای هلموت همیشه دوست دارد که این رویداد برای جاهای دیگر نیز همانند لایپزیگ رخ بدهد. ولی متأسفانه خیلی از نقاط مختلف دنیا افراد ، همدیگر را می کشند و جنگ های زیادی را براه می اندازند. برای مثال در یکی از وضعیت های عادی که هر انسانی می تواند داشته باشد ، آقای سعید ابل بخاطر ماجرای از روی حسادت کشته می شود. آه ، چقدر ما انسان ها می توانیم بعضی وقت ها وحشتناک بشویم. چرا ما انسانها نمی توانیم دور یک میز بنشینیم و باهم درباره مشکلات خود صحبت کنیم؟ ولی باز هم می بینیم که اینگونه نشست ها هم در مواردی خیلی کم می توانند مشکلات ما را حل کنند.

پولس برای ما امروز راجع به اتحاد میان انسان ها می گوید ، اتحادی که باید دور یک میز توسط انسان ها پدیدار آید. او برای ما از اتحادی که در روح است صحبت می کند. حال منظور او از اتحاد ادمی در روح ، چه می تواند باشد؟ اگر من می توانستم چهره های اولین شاگردان عیسی را ببینم ، درمیافتم که آنها در ظاهر نمی توانند بر سر موضوعی تفاهم نظر داشته باشند. ولی حالا بیایم زندگی برخی از آنها را بررسی کنیم. یکی از آنها ماهیگیر و دیگری یک باجگیر که دشمن شماره یک آن زمان به حساب می آمد. یکی دیگر فرد خیلی افراطی در دین خود بود که اگر او را امروزه با کسی بخواهیم مقایسه کنیم می توانیم بگوییم که او همانند تروریسم های امروزی می توانست باشد. نکته مشترک تمام این یهودیان آن زمان فقط می تواند از عیسی سرچشمه گرفته باشد. چه چیزی توانسته بود تا این 12 شاگرد را متحد کند؟ آنها دور یک میز به مدت طولانی بر سر مشکلات خود صحبت نکردند تا آنها را حل بکنند. بلکه چیزی که انجا اتفاق افتاده بود برمی گردد به عید پاک. و بدون هیچ تفکر ، برنامه و یا استراژی از طرف آنها ، عیسی بر روی صلیب کشته شد. و همچنین در زمانی که آنها از ترس در خانه های خود پنهان شده بودند عیسی رستاخیز کرده بود. و قبل از اینکه کسی اعلام کند که او رستاخیز کرده است ، عیسی با خواست خدا و نه به خاطر تصمیمات شاگردانش رستاخیز نموده بود. و بعد از آن چه دستوری به شاگردانش داد؟ ایا به آنها گفت که به تمام نقاط جهان بروید و یکی شوید؟ نه ، بلکه منظورش این بود که فقط پیام انجیل را به همه برسانید و موعظه نمایید. همچنین به آنها اذعان داشت که من همواره با شما تا آخر دنیا خواهم بود و به عبارت دیگر "در مرگ و رستاخیز عیسی". این کلام عیسی و یا بهتر بگوییم روح القدس بود که همه رسولان را در همه جای جهان متحد و یکی می ساخت که بایستی مژده او را به همه نقاط دنیا می رساندند. ما همچنین نباید فعالیت های دینی که از آن دوره به بعد انجام شده را

فراموش نماییم ، گرده همایی ها ، جلسات و هرگونه نشست که برای آینده برگزار می شد همه در سایه نام عیسی ، صلیب و رستاخیز او بوده است. و البته امروز نیز هم عیسی همه ما را دور هم جمع می نماید. در هفته ای که رییس جمهور المان در شهر لایپزیک به مناسبت راهپیمایی سال 89 سخنرانی داشت ، حرکت مردم در آن روز را اینگونه تفسیر نمود: "ای مردم لایپزیک اشتیاق شما به آزادی در آن روز خیلی بیشتر از ترس و هراسان بود".

در اینجا ما این را به کلیسای خودمان نسبت می دهیم و با دیدی روشن این را اعلام می داریم که عیسی بزرگتر از ما انسان ها و اشتباهات ما است. او بزرگتر از همه برنامه هایی است که ما آدم ها دوست داریم آن ها را اجرا نماییم . و دلیل بودن ما اینجا همین فقط عیسی می باشد.

همه اینها پی امدی برای زندگی و کلیسای مان دارد که آن را پولوس به ما اشاره می کند: " من به سبب خدمت به خدا اینجا زندانی هستم و شما که به مرطبه شایسته ای انتخاب شده اید به همان گونه خاسته شده زندگی نمایید" و به این مفهوم می باشد که من فقط در راه عیسی زندگی می کنم. پولس در ادامه همچنین می نویسد:

"ما فقط یک خدا ، یک ایمان و یک غسل تعمید داریم و حال در مقابل خود فقط یک کار بزرگی را که خدا دستورش را به ما داده است می بینم و نه چیزهای دیگری که ما روزانه با آن در زندگی و متأسفانه حتی در کلیسا مواجه می شویم که باعث دوری و یا جدایی ما از خدا می شود".

خیلی راحت بگویم آن اتحاد اجتماع مان است که شهر لایپزیک مدت ها قبل آن را به خوبی تجربه کرده است و می شناسد. ولی از طرف دیگر افرادی هم هستند که این رخداد را نمی دانند و فقط داستان های مخصوص به خود را دارند مثل برادر و خواهرهای ایرانی ، افغانی ، امریکایی و آفریقایی مان ، که قبل از هر چیز برای برقراری ارتباط مابین یکدیگر بایستی زبان هم را یاد بگیریم و این مشکل کوچکی نیست. بخاطر همین امر برادر و خواهرهای ایرانی ما خیلی رنج می برند. زمانی که آنها در ایران زندگی می کردند می بایستی دعای خودشان را به عربی و اینجا هم در المان به آلمانی بخوانند. زبان فقط تنها تفاوت میان ما نمی باشد بلکه در مسائل زیادی در زندگی مان فرق وجود دارد. در همین راستا یک داستان با مزه ای وجود دارد که من الان برای شما می گویم: یک روز یک ایرانی و یک آلمانی برای خرید به سوپرمارکت می روند در هنگام پرداخت پول ایرانی به آلمانی تعارفی می کند که او همه را بپردازد و آن دوست آلمانی اش با کمال خوش آن را پذیرفت و پیش خودش این فکر را کرد که ایرانی ها چقدر دست و دلباز و بخشنده هستند. ولی در آن طرف آن ایرانی به این فکر افتاد که آلمانی ها چقدر بی ادب و سوء استفاده گر هستند. این سوء تفاهم ها خیلی امکان دارد که رخ بدهد و آدم به این فکر می کند که آن اتحادی که عیسی از آن یاد کرده است نمی تواند در عمل بیاید. ولی جواب آن مشکل را افسسیان به ما داده است :

"سعی کنید همواره متقاً از روح خدا هدایت شوید ، تا بتوانید همیشه باهم در صلح و صفا باشید"

حفاظت از اتحاد بدون انجام کارهای سخت و مسولیت میسر نمی باشد. خیلی بایستی ما در این راه تلاش نماییم. حتی اگر در این دنیا رابطه های ارمانی خود را بدست نیاوریم. ما همه با هم همواره در این راه پیکار می کنیم. همه این مباحث به دلیل آن است که ما در فعالیت های دینی خود به این نتیجه رسیده ایم که ما قصد داریم افراد دیگری را از فرهنگ های دیگر بشارت دهیم که در این رابطه نباید هیچ کوششی را دریغ نماییم و فرهنگ آنها را یاد بگیریم و به آنها احترام بگذاریم.. در ابتدا بایستی آدم پیش داوری و تفکرات قدیمی خود را نسبت به دیگران کنار بگذارد و سعی بکند این را درک بکند که طرف مقابل او در چه وضعیتی قرار دارد و چرا او اینگونه اظهار نظرهایی می کند که برای من و در فرهنگ من بی ارزش هستند؟

با اشتیاق برای اتحاد خودتان مبارزه بکنید حتی اگر به زودی ثمره آن را بدست نیاورید ولی باز هم صبور باشید. حال سوال اینجاست که چگونه می خواهیم همه آنها را انجام دهیم؟ و یا ایا چون این کار دشواری است از زیر همه وظایف خود شانه خالی کنیم؟ نه ؛ جواب این را هم در افسسیان آمده است: آن اجتماع مان است ، اجتماعی که همه قدرت مان از آن است و همه به آن متصل هستیم که از طرف خدا به عنوان هدیه دریافت کرده ایم. این اتحاد از سه خدای یگانه می باشد که به سوی ما می آید و ما را با خود و کلیسا یکی می سازد.

یک روح  
یک امید  
یک سرور  
یک ایمان  
یک غسل تعمید  
یک خدا و یک پدر

در اینجا صحبت از غسل تعمید و یک پیکر متحد می باشد که ما توسط آنها اجتماع خود را تشکیل داده ایم و از خدای سه گانه پر فیض شده ایم. بله ، اینجا ما یک غسل برای ایرانی ها و یا یک غسل برای المانی ها و یا برای ملل دیگر نداریم بلکه یک غسل تعمید برای همه داریم. همینطور ما تعداد زیادی جام شراب برای افراد گوناگون از کشورهای مختلف نداریم بلکه یک جام برای همه داریم. به عبارت دیگر جایی که بدن عیسی است همه ما در آن به طور ارزش یکسانی غسل دیده ایم. که آن خواست محبت امیز خدا را همه می توانند در خواهر و برادرهای دینی مان به خوبی مشاهده کنند.

با این ایه ها ، پولس توانست در مدت کمی به ما مسیحیان اتحاد در خداوند را نشان دهد. اجتماعی که ما داریم یک خلقتی از خدا می باشد که در همه جای دنیا وجود دارد که ما ان را در ایمان نامه خود نیز اینگونه ابراز می نماییم:  
"من ایمان دارم به روح القدس و به کلیسای مقدسات و به یک اجتماع مقدس که از گناهان بخشیده شده اند و رستاخیز می نمایند و یک زندگی جاویدان دارند"

بدین ترتیب ما به عنوان یک مسیحی همانگونه که گفته شد در زندگی مان و در کلیسا رفتار می کنیم .

آمین.